



مردم ملکی قربانیان اصلی تشدید جنگ در افغانستان

اول سپتمبر 2014

تایستان سال ۲۰۱۴ شاهد حملات جبهه ای طالبان و متحدین خارجی شان است، حملاتی که تحت نام "حملات خیبر" مسما گردیده و صفحه انترنتی "دجهادغر" ارگان تبلیغاتی طالبان این عملیاتها را با "افتخار" زیاد تبلیغ میکند. در اجرای این عملیاتها حمایت سازمانهای استخباراتی منطقه اعم از آی اس آی و سپاه قدس (شاخه خارجی سپاه پاسداران ایران در تبتانی با سازمان استخباراتی روسیه (FSB) اکنون بخوبی محسوس است. این حملات با آنکه در ظاهر علیه ارگانهای امنیتی افغانستان یا غربیها صورت میگیرند، در عمل عامل برهم زدن ثبات و زندگی صلح آمیز مردم افغانستان بوده و بیشترین قربانیان خود را از مردم ملکی میگیرند. به همین جهت کمیته حقوق بشر فارو اشاره به دونهکت ذیل را درین رابطه ضروری میداند:

- اولویت برای آی اس آی و سپاه قدس تأمین اهداف استراتژیک منطقوی شان است. دول ایران و پاکستان نه تنها به حیات مردم ملکی افغانستان بلکه به حیات مردم ملکی کشور خود نیز اهمیتی قایل نیستند. نیروهای بومی (افغان الاصل) تحت حمایت این دوکشور نباید از دستاویز سازمانهای استخباراتی بیگانه اطاعت کورکورانه نموده و به وجبیه حفظ حیات افرادملکی عمل کنند. در جهان امروز معیارهای معینی برای ارزیابی عواقب منفی احتمالی عملیاتی نظامی برای مردم ملکی وجود دارد که طالبان افغانستان از آن آگاهی دارند ولی معمولاً آنرا رعایت نمیکنند. در اعمالی که طالبان رسماً مسؤلیت آنرا میگیرند، ده ها و گاهی صدها فرد ملکی از بین میروند. ماینگذاری خانه های مردم ولسوالی سنگین ولایت هلمند و شیوه حملات و جنگ دوامدار طالبان درین ولسوالی باعث مرگ صدها وومجروعت هزاران فردملکی شده است. حملات در کندز و حمله اخیر بر دفتر ولایتی ریاست امنیت ملی در جلال آباد مثالهای دیگر روش بی بندوبارانه طالبان در حملات جنگی شان میباشد. وقتی طالبان، شبکه حقانی و سایرین یک حمله را پلان میکنند، بخوبی میدانند که در ساحة آتشرس این حمله تعداد زیاد مردم ملکی هم قرار دارند. با آنهم به آن عمل دست میزنند. بطور مثال با انفجار بزرگ در مقابل تعمیر امنیت ملی در جلال آباد، طالبان ریسک جدی کشتار افرادملکی به اثر انفجار بزرگ مقابل دروازه امنیت ملی را آگاهانه پذیرفته بودند. طبق معلومات رسانه ها و شفاخانه مربوطه، تعداد تلفات ملکی حمله ۳۰ اگست طالبان بر جلال آباد ۹ برابر تلفات نظامی وارد شده از جانب طالبان بود. هرزمانیکه طالبان مورد انتقاد مؤسسه ملل متحد واقع میشوند، دستورالعمل ملا محمد عمر مبنی بر توجه به حیات افراد ملکی را مکرراً در صفحه انترنتی رسمی خویش برای اهداف تبلیغاتی انتشار میدهند. آیا این عوامفریبی نیست؟ این روش با ادعا های اسلامی طالبان در تضاد قرار دارد.

- مسؤلیت تلفات ملکی تنها متوجه طالبان نیست. ماده پنجم قنون اساسی تأمین امنیت را یکی از وظایف اساسی دولت افغانستان دانسته است. حکومت افغانستان مکلف به اتخاذ تدابیر ضروری برای تأمین امنیت شهروندان است. وقتی افراد مسلح از آنسوی دیورند در گروههای چند صد

نفری داخل هلمند شده هر کی را میخواهند میکشند و هرچه بر سر راه شان قرار گیرد آتش میزنند، دیگر نمیتوان صحبت از امنیت شهروندان بعمل آورد. وقتی سپاه قدس قادر به چندبرابرساختن تعداد جرایم و برهم زدن زندگی صلح آمیز مردم هرات میشود دولت ما بدستهای بسته به این حالت مینگرد، چنین دولتی نمیتواند ادعا کند که قادر به تأمین امنیت شهروندان است. تمرکز چشم و فکر همه دولتمردان به اینکه کدامیک از حلقات دولتی به ارگ راه پیدامیکند، باعث این شده که ارگانهای امنیتی در شب یلدای بررسی آرا مصروف گردند و ازین مصروفیت شان هم نیروهای ویرانگر خارجی بهره ببرند، هم طالبان و هم گروه های دزد و رهنورد حمایت زورمندان. رئیس دولت و مقامات امنیتی باید بدانند که تا آخرین روزیکه از ملت معاش میگیرند، قانوناً مکلف به تأمین امنیت شهروندان اند. مطابق به احکام قانون اساسی، مقامات رهبری ارگانهای امنیتی باید به فعالیتهای که در عرصه انتخابات دارند پایان بخشیده و با جدیت به وظایف اصلی خویش پردازند.

"کمیته حقوق بشر فارو"